

# روان‌شناسی سلبریتی

گیل استیور

ترجمه

تهمینه زاردشت

فرهنگ نشر نو  
با همکاری نشر آسیم

## سلبریتی

### مقدمه

طی بیست سال اخیر شاهد علاقه‌ای روزافزون به‌خصوص از جانب پژوهشگران دانشگاهی به مقوله سلبریتی بوده‌ایم. در سال ۲۰۱۰ نشریه تازه‌تأسیس دانشگاهی به نام مطالعات سلبریتی<sup>۱</sup> درآمد. داخل جلد مجله می‌خوانیم: «هم و غم مطالعات سلبریتی کاوش انتقادی سلبریتی، ستارگان و شهرت است. این نشریه با استفاده از گستره‌ای از رویکردهای بینارشته‌ای، رسانه‌های گوناگون، دوره‌های تاریخی و قوانین ملی در پی فهم معنای سلبریتی است.» در شماره اول، گریم ترنر (۲۰۱۰) درباره چرایی نیاز به چنین مجله‌ای بحث کرد و در این بحث، دلایلی را توضیح داد بسیار شبیه چرایی نیاز به کتاب حاضر، اساساً اینکه سلبریتی توجه ما را جلب می‌کند و محرک مصرف ما در دنیای قرن ۲۱م تحت غلبه رسانه است.

سلبریتی در فضای رسانه‌ای زندگی می‌کند. بدون گفت‌وگواز سلبریتی‌ها (به قول بعضی‌ها «شایعات» درباره آنها)، شهرت یا سلبریتی وجود ندارد، و بدون رسانه‌ای برای گفت‌وگو و پخش شایعه، واقعاً سلبریتی‌ای در کار نیست. سلبریتی امری اجتماعی است. در خلأ وجود ندارد.

1. *Celebrity Studies*

## تعریف سلبریتی

درباره سلبریتی، به‌خصوص در همین ۲۰ سال اخیر (یعنی از ۱۹۹۸ تا الآن که ۲۰۱۸ است)، مطالب فراوانی نوشته‌اند، اما هنوز رسیدن به تعریف موجزی از آن دشوار است.

مفهوم سلبریتی صرفاً معروفیت یا «شهرت» نیست، بلکه چرایی معروفیت شخص است. کارن استرنهایمر (۲۰۱۵) سلبریتی را این طور تعریف می‌کند: «هرکسی که حداقل لازمی از غریبه‌ها تماشایش می‌کنند، ملتفت او می‌شوند و او را می‌شناسند»<sup>۱</sup> (ص ۲). کنجکاوی درباره زندگی شخصی است که مرزهای سلبریتی را مشخص می‌کند.

## سلبریتی: حالت است یا خصلت

در اغلب نوشته‌های مربوط به سلبریتی، این کلمه در حکم اسم به کار می‌رود. کسی سلبریتی است. اما اگر سلبریتی را خصوصیت فرد، یعنی صفت او، در نظر بگیریم و نه اسمش، چه اتفاقی می‌افتد؟ در آن صورت می‌توانیم همان‌طور درباره سلبریتی صحبت کنیم که درباره دیگر خصوصیات افراد بحث می‌شود. نخ تسبیحی در شخصیت‌پژوهی وجود دارد که می‌کوشد بین حالت و خصلت تمایز قائل شود. مثلاً کلمه برونگرایی در «فلانی برونگراست» خصلت فرد است؟ یا مثلاً در «امروز فلانی برونگراست» حالت است؟

با استفاده از کلمه «سلبریتی» به این ترتیب، می‌توانیم سلبریتی کسی را حالتی بالقوه گذرا بدانیم. به جای اینکه بگوییم کسی سلبریتی است، فرد می‌تواند در حالت سلبریتی باشد، یا بالقوه از خصلت سلبریتی برخوردار باشد. برد پیت سلبریتی است و احتمالاً این، خصلت ثابت اوست، چون مدتی خیلی طولانی معروف بوده. اما برخی از افراد در حالت سلبریتی هستند

۱. کمترین میزان لازم برای آغاز یا انجام هر چیزی.

که ممکن است امروز باشد و فردا نباشد، هرچند سلبریتی گذرا اغلب فقط در سطوح پایین‌تر سلسله سلبریتی‌ها وجود دارد، مثل رویدادی تکین که با نجات کسی یا دیگر کار قهرمانانه تکین اتفاق می‌افتد (وان درایت، شور، وارد و اسکینا، ۲۰۱۳).

### سلبریتی‌ها کسانی هستند که توجه ما را جلب می‌کنند

به نظر وان کریکن (۲۰۱۲) در جامعه درهم‌تافته ما توجه سرمایه کمیابی است. چیزهایی هم که توجه ما را جلب می‌کنند آنقدر زیادند که در چیزهایی که لازم است انتخاب کنیم باید مشکل‌پسند باشیم. سلبریتی‌ها کسانی هستند که توجه ما را با خصوصیات یا دستاوردها یا رفتارهای غیرعادی خود جلب می‌کنند. زمانی که کسی موفق شد توجه ما را به خود جلب کند، می‌توانیم بگوییم که به دلیل موفقیت‌ها یا سایر خصوصیات بی‌همتا و چشمگیرش در حالت سلبریتی قرار دارد یا ما او را سلبریتی می‌شماریم. گاهی اوقات صرف برخورداری از خصوصیات خاص جلب توجه می‌کند، مانند مورد اسکار وایلد، که در قرن نوزدهم تصمیم گرفت با حداکثر شناخت جلب توجه کند. وایلد مدت‌ها قبل از دستاوردی سزاوار شهرت، به حالت سلبریتی رسیده بود. توجه به شخص مشهور (سلبریتی دستاوردی<sup>۱</sup>) پس از دستاوردی از راه می‌رسد، اما آن دسته از افرادی که غایتشان توجه است، گاهی اوقات واقعاً هیچ کاری نکرده‌اند و دستاوردی نداشته‌اند، بلکه از ابزارهای مختلفی برای جلب توجه بهره برده‌اند. سلبریتی بدون شهرت همین است، شهرت نیز به معنای تشخیص با معروفیت به دلیل انجام کاری شایان توجه است. خانواده کارداشیان مستندترین نمونه توجه‌جویانی هستند که دستاورد آنچنانی نداشته‌اند، اما فقط آنها نیستند که این چنین‌اند.

1. achieved celebrity

اغلب اوقات شخص پس از دستیابی به شهرت، سلبریتی می‌شود، مانند مورد چارلز لیندبرگ که پس از اولین پرواز به آن سوی اقیانوس اطلس سلبریتی شد، اما اسکار وایلد نمونه‌ی کسی است که سلبریتی شد و تازه بعد از اینکه حسابی معروف بود، کتاب‌ها و نمایش‌نامه‌هایی نوشت که امروز معروفیتش را مدیون آنهاست. اگر معروف نشده بود، کسی متوجه نمایش‌نامه‌های او می‌شد؟ سؤال سختی است - سؤالی که نمی‌شود راحت جوابش را داد، اما راحت می‌شود حدس زد که نه، شاید کسی ملتفت نمایش‌نامه‌هایش نمی‌شد.

### شهرت و سلبریتی: تشابه یا تفاوت؟

یکی از موارد برقراری تمایز مهم بین اصطلاحات در برخی از نوشته‌های پیرامون این موضوع، تفاوت سلبریتی بودن با مشهور بودن است. شاید ساده به نظر برسد که بگوییم «سلبریتی‌ها کسانی هستند که مشهورند»، اما با تحلیل دقیق می‌بینیم که، هرچه باشد، موضوع به این سادگی‌ها هم نیست. ببینیم دلیلش چیست.

منابع گوناگون (مانند لاکهرست و مودی، ۲۰۰۵)، رویک (۲۰۰۱) را از اولین کسانی می‌دانند که وجوه تمایز بین سلبریتی نَسَبی<sup>۱</sup> و دستاوردی و اسنادی<sup>۲</sup> را روشن کرده است. اولین وجه تمایز، شهرت در سایه اصل و نسب است، دومی در سایه اشتها یا دستاورد، و سلبریتی اسنادی همان موقعیتی است که فرد «به خاطر معروفیتش معروف» است (بورستین، ۱۹۶۱، ص ۵۷).

ترنر (۲۰۰۴) با برقراری تمایز بین سلبریتی و دیگر گونه‌های اشتها تصدیق می‌کند: «می‌توان لحظه دقیق را تعیین کرد که چهره‌ای سرشناس سلبریتی می‌شود. هنگامی این اتفاق می‌افتد که علاقه رسانه به فعالیت

1. ascribed celebrity

2. attributed celebrity

چهرهٔ مزبور از گزارش نقش اجتماعی آنها... به بررسی جزئیات زندگی خصوصی‌شان منتقل می‌شود» (ص ۸).

جایلز (۲۰۰۰) رده‌بندی‌ای از شهرت طراحی کرده است که چهار نوع شهرت را شرح می‌دهد: چهره‌های سرشناس (نقش‌هایی نظیر نقش‌های سیاسی یا استخدام دولتی)، شهرت مبتنی بر شایستگی (شهرت به واسطهٔ دستاورد ماندگار)، ستارگان کسب و کار نمایش (خوانندگان و بازیگران و غیره)، و شهرت تصادفی (مانند شهرت به واسطهٔ وابستگی یا حضور در مکان مناسب در زمان مناسب). سپس سطوح شهرت را برشمرده است از حوزه‌ای ویژه (در گروهی خاص) گرفته تا شهرت در محله، تا شهرت ملی و سپس بین‌المللی. او ۱۶۰ دانشجوی مقطع کارشناسی را مطالعه کرد که اعتبار الگوی او را ثابت کردند و اکثر سلبریتی‌ها به‌راحتی در سطوح و دسته‌های پیشنهادی او جا شدند.

دریسنز (۲۰۱۳) کاربرد گیج‌کنندهٔ اصطلاحات و اختلاف نظر محققان دربارهٔ معنی آنها را خاطرنشان کرد، و اینکه هر محققى که مطلبی دربارهٔ سلبریتی نوشته روی معانی مختلفی تأکید کرده است. برای مثال، دایر (۲۰۰۴) و همچنین مارشال (۱۹۹۷) روی سلبریتی در حکم کالا متمرکز بوده‌اند، حال آنکه توجه کولدری (۲۰۰۳) بیشتر به سلبریتی در حکم آفریدهٔ رسانه بوده است. گویا در میان بسیاری از نویسندگان اختلاف نظر وجود دارد که آیا گونه‌های جدید سلبریتی را دموکراتیک‌تر می‌کنند یا فقط سلسله‌مراتب شأنیت جدیدی به وجود می‌آورند.

برخی از واژگان مورد استفاده در مطالعهٔ سلبریتی چه بسا مشکل‌ساز باشند. برای مثال کلمات «سلبریتی‌شدگی»<sup>۱</sup> و «سلبریتی‌سازی»<sup>۲</sup>. دریسنز (۲۰۱۳) خاطرنشان ساخت که بسیاری از نوشته‌ها دربارهٔ سلبریتی، این کلمات را با هم اشتباه گرفته‌اند (گمسن، ۱۹۹۴؛ ترنر، ۲۰۰۴) و تعیین

معنای هر واژه و تفاوت آن با دیگری، توضیحاتی می‌خواهد. به عقیدهٔ درینسنز «سلبریتی‌شدگی» زمانی اتفاق می‌افتد که افراد برجسته جذب حوزهٔ مطالعاتی یا آرمانی می‌شوند تا آن آرمان یا حوزه را به توجه عموم برسانند. هنگامی که فعالان محیط‌زیستی نگرانِ گرمایش جهانی از سلبریتی چهره‌های مشهوری مانند ال‌گور یا لئوناردو دی‌کاپریو یا مارک رافلو برای تبلیغ هدف خود استفاده کردند، آن حوزه سلبریتی شده تلقی می‌شود (بویکاف و گودمن، ۲۰۰۹). «سلبریتی‌سازی» زمانی اتفاق می‌افتد که فردی عادی سلبریتی می‌شود. راه دیگر بررسی این دو اصطلاح توجه به این نکته است که سلبریتی‌سازی برای فرد اتفاق می‌افتد، در حالی که سلبریتی‌شدگی برای گروه رخ می‌دهد.

یکی از معضلات نوشتن دربارهٔ سلبریتی و شهرت تلاش برای حفظ تمایز بین این اصطلاحات است، آن هم در حالی که در حقیقت هر کدام سهمی از دیگری برده‌اند. بسیاری از نویسندگان از این اصطلاحات به جای یکدیگر استفاده می‌کنند. در این بحث، سعی خواهیم کرد تمایز بین شهرت در حکم سلبریتی دستاوردی را در برابر سلبریتی نسبی یا اسنادی حفظ کنیم. اگر این تمایز برای شما روشن نیست، اشکالی ندارد. برای دیگران هم همیشه روشن نیست! اما مثالی چاره‌ساز می‌زنم.

### نمونهٔ شهرت در برابر سلبریتی

مخلص کلام، برای اینکه سلبریتی داشته باشیم، باید مخاطب یا طبقهٔ طرفداران و دوستانان داشته باشیم، چون هر کدام در رابطه با دیگری تعریف می‌شود. کلمات «شهرت» یا «اشتهار» یا حتی «سلبریتی دستاوردی» از کسی حرف می‌زنند که به دلیل دستاوردی برجسته مشهور شده‌اند. «سلبریتی» منحصر به اطلاع از زندگی و رفتار خصوصی شخص است، قطع نظر از کار اولیه‌ای که توجه ما را به او جلب کرده است. کسی می‌تواند هم مشهور باشد و هم سلبریتی، یا این یا آن (یا هیچ‌کدام).

نمونه‌ای که من پیدا کردم و این تمایز را هر چه بیشتر برایم روشن کرد، مقاله‌ای بود به قلم ترور پری-جایلز (۲۰۰۸) درباره رئیس‌جمهور جان آدامز. جایلز دیوید مک کالو (۲۰۰۲) را به دلیل نوع زندگینامه‌ای که برای آدامز نوشته است سرزنش می‌کند، با این ادعا که مک کالو «مبلغ سلبریتی اوست، نه مروج شهرت درخور ستایش این بنیان‌گذار امریکا» (ص ۸۳). به گفته جایلز مورخ، می‌توان آدامز را با نگاه به دستاوردهایش تحلیل کرد، کارهایی که بیشتر به‌خاطر آنها مشهور است، ریاست‌جمهوری‌اش، نقشش در اعلامیه استقلال، دیپلماسی خارجی‌اش، فلسفه سیاسی‌اش و دیگر دستاوردهای عمده در تاریخ این کشور. اما مک کالو به جای این کار، با اتکا به «لفظی‌های احساسی تمجید و تحسین که سیاست سلبریتی معاصر را تحت سلطه درآورده» در سطحی خصوصی از آدامز دفاع می‌کند (ص ۸۸). شرح اینکه آدامز سهم عمده‌ای در تهیه پیش‌نویس اعلامیه استقلال داشته در حکم توجه به دلیل شهرت اوست. اما اینکه بگوییم آدامز مردی بزرگ، شوهری خوب و مدافع پرشور کشور و شخصی سراپا خوب بود، توجه به شخص اوست نه دستاوردهایش. گمانم همین، وجه تمایز سلبریتی از شهرت باشد.

### سلبریتی پدیده‌ای مطلقاً مدرن است یا در سراسر

#### تاریخ جوامع پیچیده وجود داشته است؟

کتاب‌های پژوهشی پرشماری با مرکزیت تاریخ سلبریتی نوشته شده‌اند از جمله کتاب‌های برودی (۱۹۹۷)، اینگلیس (۲۰۱۰) و کشمر (۲۰۱۴). در هر یک از این مباحثات، مضامین کلی درباره نحوه تقسیم تاریخ بشر به دوره‌های متمایز سلبریتی به چشم می‌خورد.

برخی از نویسندگان معتقدند که سلبریتی اختراعی قرن بیستمی است (مثلاً شیکل، ۲۰۰۰)، اما بسیاری دیگر فکر می‌کنند سابقه سلبریتی به دوران اسکندر کبیر برمی‌گردد (برودی، ۱۹۷۷) یا سزارها (گارلند، ۲۰۱۰) و به عبارت دیگر به ۶۰ سال قبل از میلاد یا حتی قبل از آن.